

# شیوہای تقدادبی

دوید دکنر

ترجمہ

محمد تقی صدقیانی    دکتر غلامحسین یوسفی

## فهرست مندرجات

۲۰-۱۵

پیشگفتار

۲۴-۲۱

مقدمه

### باب اول: تحقیق فلسفی

۲۶۰-۲۵

۵۵-۲۷

معضل افلاطونی

۳۰-۲۷

سؤالهای انتقادی عمده

۳۱-۳۰

شعر و اخلاقیون

۳۸-۳۱

الهام آسمانی شاعر

۵۱-۳۸

نظر افلاطون دربارهٔ مقام شاعر در مدینهٔ فاضله

۵۵-۵۱

اهمیت اعتراضات افلاطون به شعر

۹۷-۵۶

راه حل ارسطویی

۵۹-۵۶

روشنگری از طریق طبقه‌بندی

۶۳-۶۰

طبیعت تراژدی

۷۸-۶۳

اهمیت طرح داستان

۸۱-۷۸

تقلید و احتمال

۸۳-۸۲

ترکیه

۲۵۸-۲۵۰	شعر و تناقض
۲۶۰-۲۵۸	استعاره، رمز و اسطوره

## باب دوم: نقدِ عملی

۴۸۴-۲۶۱

۲۶۴-۲۶۳	مقدمه
۳۶۷-۲۶۵	استقرار صحنهٔ نقد
۲۶۸-۲۶۷	حوزهٔ نقد عملی
۲۷۶-۲۶۸	بن جانسن
۲۷۸-۲۷۶	اما یک شعر با آنچه ما نظم می‌نامیم چه تفاوت دارد؟
۲۷۹-۲۷۸	درآیدن
۲۸۴-۲۸۰	«وحدتهای» درام
۲۸۷-۲۸۵	تقلید و قرارداد
۲۹۱-۲۸۷	نظر دکتر جانسن دربارهٔ وحدتها
۲۹۴-۲۹۱	دفاع از «پشرفت و تطور» در ادبیات
۲۹۶-۲۹۴	ادبیات و نوآوری
۲۹۸-۲۹۶	مقام داستانهای پلیسی
۳۰۰-۲۹۸	اهمیت حالت تعلیق
۳۰۸-۳۰۰	مسألهٔ چاشنی خنده
۳۱۳-۳۰۹	فنون تمهید
۳۱۴	قراردادهای دراماتیک
۳۱۹-۳۱۵	نظر درآیدن و دکتر جانسن دربارهٔ تراژدی - کمدی
۳۲۱-۳۱۹	تنوع و رعایت نظم
۳۲۴-۳۲۱	انواع تصنع
۳۲۹-۳۲۴	نظر درآیدن دربارهٔ شکسپیر، بیومانت و فلچر، و بن جانسن
۳۳۸-۳۲۹	نظر درآیدن دربارهٔ نمایشنامهٔ زن خاموش اثر بن جانسن
۳۳۹-۳۳۸	کاربرد قافیه بصورت قراردادی در درام
۳۵۱-۳۴۰	نظر درآیدن دربارهٔ چاسر

۳۵۱-۳۶۷	یادداشت مؤلف:
۳۵۲-۳۵۶	وحدتها
۳۵۸-۳۵۶	تقلید و قرارداد
۳۵۹-۳۵۸	حالت تعلیق
۳۶۳-۳۵۹	چاشنی خنده
۳۶۵-۳۶۳	تنوع و وحدت
۳۶۷-۳۶۵	خصوصیات یک مصنف
۳۹۷-۳۶۸	امکانات و محدودیت هر روش
۳۶۹-۳۶۸	از نظریه تا عمل
۳۷۵-۳۶۹	نقد دکتر جانسن درباره شعر «لیسیداس» و سرایندگان اشعار متافیزیکی
۳۷۷-۳۶۹	قریحه و تقلید
۳۷۸-۳۷۷	محدودیت‌های نقد حرفه‌ای
۳۸۱-۳۷۸	نقد و قرائن تاریخی
۳۸۲-۳۸۱	استفاده دکتر جانسن از شرح احوال
۳۸۶-۳۸۲	روش مقایسه‌ای
۳۹۷-۳۸۶	یادداشت مؤلف:
۳۹۱-۳۸۶	قریحه
۳۹۳-۳۹۲	اعتراضات دکتر جانسن بر شعر شبانی
۳۹۳	خواننده عادی
۳۹۵-۳۹۳	عام و خاص
۳۹۷-۳۹۶	تعریف جانسن از شعر «متافیزیکی»
۴۲۶-۳۹۸	تاریخ، نسبی‌گرایی، تأثرگرایی
۴۰۳-۳۹۹	نظر هرد درباره اسپنسر
۴۰۵-۴۰۳	تاریخ و توسعه ذوق و سلیقه
۴۱۰-۴۰۶	مخاطرات تساهل
۴۱۸-۴۱۰	مقام تأثرگرایی (امپرسیونیسم)
۴۲۶-۴۱۹	یادداشت مؤلف:
۴۲۲-۴۱۹	نظر آرنولد درباره پوپ

- ۵۵۳-۵۶۰ منتقد جامعه‌شناس در عمل  
 یادداشت مؤلف:  
 ۵۶۰-۵۶۸ نقد جامعه‌شناختی برای کدام نوع از آثار ادبی سودمندترست؟  
 ۵۶۷-۵۶۰ کاربرد این روش  
 ۵۶۸-۵۶۷ نقد و زمینه فرهنگی  
 ۵۸۹-۵۶۹ صحنه فرهنگی  
 ۵۷۰-۵۶۹ نظر آرنولد درباره فرهنگ طبقه متوسط  
 ۵۸۲-۵۷۰ ادبیات در تمدن صنعتی  
 ۵۸۴-۵۸۲ مصنف و زمینه فرهنگی او  
 ۵۸۵-۵۸۴ یادداشت مؤلف:  
 ۵۸۹-۵۸۵ منتقد معتقد به «زمینه فرهنگی» در عمل  
 ۵۸۹-۵۸۵ فرجام سخن

## فهرستها

۶۳۸-۵۹۵

۶۰۲-۵۹۷  
۶۳۸-۶۰۳فهرست اصطلاحات و برخی کلمات  
فهرست راهنما

## معضلی افلاطونی

نقد ادبی خود را با هر یک از چند سؤال زیر روبرو می‌بیند: سؤال فلسفی مربوط به ماهیت ادبیات تخیلی را طرح می‌کند و از نظر مفهوم منطقی، این سؤال باید بر همه سؤالهای دیگر مقدم واقع شود — زیرا چگونه می‌توانیم چیزی را اصلاً مورد بحث قرار دهیم بی آن که در وهله اول ماهیت آن را بشناسیم؟ مع هذا محققان پیش از آن که ماهیت ادبیات را تعریف کرده باشند غالباً سؤالات دیگری درباره آن طرح کرده‌اند و این سؤالها نیز همواره مفید بوده است زیرا راه فهم، همیشه مستلزم پیروی از بدیهی‌ترین مسیر منطقی نیست.

## سؤالهای انتقادی عمده

می‌توان پرسید ادبیات چه می‌کند؟ که پاسخ آن، تعریف ادبیات است به اعتبار کارکردش و در عین حال اشاره‌ای است به ارزش آن. ممکن است بیشتر سؤالهایی معیاری طرح کرد نه توصیفی، به این منظور که بتوان به تمیز بین خوب از متوسط و بد در آثار ادبی پی بُرد. در قلمرو مسائل توصیفی می‌توانیم همه نوع فنون خاص تبیین و تجزیه و تحلیل را، بطریقی که داوری ارزشها را دربرداشته باشد،

اختیار کنیم. ممکن است از عهده حل این مسأله روان‌شناختی برآیم که ذهن ادبی در حال آفرینش ادبی چگونه عمل می‌کند. سرانجام ممکن است نقد هیچ سؤالی را طرح نکند بلکه فقط در پی آن باشد که قوه درک ارزش خواننده را بوسیله یکی از روشهای بسیار متنوع افزایش دهد، روشهایی که از نمایش عینی بعضی از خصائص تا کشف تأثیری<sup>۱</sup> (یا حتی مبنی بر برداشتهایی شخصی) این که اثر ادبی چگونه در منتقد تأثیر می‌کند گسترش دارد. به این ترتیب کوشش منتقد ممکن است متوجه به ماهیت ادب یا کارکرد آن، یا کوششی معیاری، توصیفی، روان‌شناختی و یاد‌رزمینه درک ارزش آثار باشد. هر یک از این کوششها برای خود جایی و فایده‌ای دارد و بسیاری از سؤالات مربوط را می‌توان به طرق بسیار متفاوتی طرح کرد و یا طرح شده است.

تحقیق فلسفی در ماهیت ادبیات — مشتمل بر این که: صفات ممیزه آن چیست؟ چگونه با دیگر انواع سخن تفاوت پیدا می‌کند؟ — در جهان غرب بمدتی بیش از دو هزار سال ادامه داشته است و امروز نیز مانند همیشه فعالانه ادامه دارد. این از آن نوع سؤالاتی است که هر نسلی ترجیح می‌دهد بطریق خاص خود به آن پاسخ گوید زیرا ادبیات پدیده‌ای پیچیده است که وجوه مختلف آن به اقتضای اعصار مختلف مورد ملاحظه و توجه مخصوص واقع می‌شود. مع‌هذا هر چند پاسخها از عصری به عصری تغییر می‌کند، شباهتهای مألوفی بین دسته‌های مختلف جوابها وجود دارد بطوری که نوعی طبقه‌بندی کلی بین آنها دشوار نیست. بعلاوه برخی از جوابها، صرف‌نظر از ارتباطشان با مسائل ادبیات خاصی در زمانی معین، بخصوص اصالت وجودی دارد؛ و منتقدان متأخرتر آنها را پذیرفته یا بار دیگر به تفسیر آنها پرداخته یا بر آنها افزوده و یا از آنها بطریقی دیگر سود جستند. شاید ثمربخش‌ترین تمام مباحثات انتقادی خاص تحقیق در باره ماهیت و ارزش ادبیات تخیلی، رساله فن شعر<sup>۲</sup> ارسطو بوده است که در قرن چهارم پیش از میلاد مسیح نوشته شده — و بصورت موجود، اثری ناتمام و ناقص است — اما هنوز اساس هر بحثی در این زمینه

است. تعریف ارسطو از ادبیات خصائص متمیّزه آن را آشکار می‌کند، کارکردش را نشان می‌دهد، ارزش ادب را برحسب این کارکرد معین می‌کند، و در برابر حمله کسانی که ادبیات را بی‌فایده یا منافی اخلاق می‌شمارند از آن حمایت می‌کند.

ادبیات بمعنایی که ما این اصطلاح را در این جا بکار می‌بریم، شامل هر نوعی از انواع انشاء به نثر یا نظم است، که هدفش فقط ابلاغ حقایق نیست بلکه بیان داستانی است (خواه بکلی ابداعی باشد و خواه از طریق ابداع جانی تازه به آن داده شده باشد) یا لذت خاطر بخشیدن است بوسیله نوعی استفاده از تخیل آفریننده در کاربرد کلمات. البته این سخن، تعریفی از برای ادبیات نیست — زیرا بیان تعریف در این مرحله، بمنزله پیش‌بینی کردن تمام بحث این کتاب خواهد بود — بلکه فقط نشانه‌ای است از این که چگونه این اصطلاح بکار می‌رود. عجیب آن که در زبان انگلیسی هیچ تک کلمه‌ای وجود ندارد که معادل <sup>۳</sup> Poiesis یونانی یا <sup>۴</sup> Dichtung آلمانی باشد، اصطلاحاتی که ناظرست به آثار تخیل ادبی و برخلاف اصطلاح *Literature* فقط شامل آثاری که نوشته می‌شود نیست. اصطلاح *Poetry* بنوعی که بعضی از نویسندگان قدیم‌تر آن را بکار برده‌اند (مثلاً سرفیلیپ سیدنی<sup>۵</sup> در کتاب خود به نام: دفاع از شعر<sup>۶</sup>) معنی وسیع‌تری از کلمات یونانی و آلمانی مذکور دارد. اما مفهوم این کلمه از آن زمان تا کنون محدودتر شده است درست به همان اندازه که مفهوم کلمه *Literature* بیش از حد وسعت یافته است. به این طریق ترجمه عنوان اثر بزرگ گوته<sup>۷</sup> یعنی *Dichtung und Wahrheit* به زبان انگلیسی بصورتی که

۳- از کلمه *poiein* بمعنی «ساختن» است. بنابراین *Poiesis* بطور کلی یعنی ساختن ولی معمولاً محدود می‌شود به معنی «انشای شعر، رک: *Princeton Encyclopedia of Poetry and Poetics* (U.S.A.: Princeton University Press, 1974, s.v.) «Poesie» (م).

۴- یعنی آثار ادبی تخیلی: شعر، رمان، داستان (م).

۵- (۱۵۸۶-۱۵۵۴) Sir Philip Sidney شاعر و مرد سیاسی انگلیسی (م).

۶- *An Apology for Poetry* (م).

۷- (۱۸۳۲-۱۷۴۹) Johann Wolfgang von Goethe شاعر و درام‌نویس آلمانی